



فیلمبرداری در لوکیشن های بیرونی دشوار نبود؟

خیلی دشوار بود و نیاز به برنامه ریزی و صبر زیاد و دقت فراوان داشت و شاید به دلیل این شلوغی است که در سینمای بنگلادش صداپردازی سر صحنه وجود ندارد و فیلمها در استودیو دوبله می شود.

شما در حین فیلمبرداری از سیستم صدا برداری سر صحنه استفاده کردید؟

بله. **آیا بازیگران بومی فیلم هم می توانستند گویش مناسبی برای سیستم صداپردازی سر صحنه داشته باشند؟**

بازیگر اصلی فیلم چون در سینمای هند فعالیت می کند بابت این قضیه مشکلی نداشت و کارش را به خوبی انجام می داد.

بنابراین نسخه ای که در بنگلادش قرار است اکران شود با صدا برداری سر صحنه انجام شد؟

بله، نسخه ایرانی فیلم همانطوریکه اشاره کردم توسط استاد خسرو خسروشاهی دوبله شد. در سینمای بنگلادش همه فیلمها دوبله و به نمایش در می آیند. سینمایشان یک چیزی مثل سینمای ایران در پنجاه- شصت سال قبل است.

معمولا سکانس ها را با چند برداشت می گرفتید؟

چون فیلم ما متعلق به سینمای مستقل، جمع و جور و کم هزینه است با دقت و تمرین زیاد پلان ها را فیلمبرداری می کردیم و با این شیوه پلان های مورد نظر ما می گرفتیم. در خلوت ترین خیابان های داکا هم تا دور بین روی زمین می گذاشتیم هزار نفر آدم دور گروه جمع می شدند و چون ما خارجی بودیم مردم کنجکاو بیشتری از خودشان ابراز می کردند. مردم بنگلادش مثل مردم هند عاشق سینما هستند و گاهی پیش آمد که برای جلوگیری از ازدحام مخفیانه فیلمبرداری می کردیم.

با چه دوربینی فیلمبرداری کردید؟

با دوربین بلک مجیک کار کردیم و با برام فضلی از تمام تجربیات و خلاقیت هایش استفاده کرد تا فیلمبرداری در خسانی انجام بدهد. فیلمبرداری که ضمن دقت زیاد در کارش سرعت عمل بالایی دارد و بعد از چند کار مشترک حرف هم را خوب می فهمیم.

برای ارتباط با بازیگران از مترجم استفاده می کردید؟

مترجم وجود داشت و خود من هم تا حدی می توانستم با بازیگران ارتباط برقرار کنم. یکی از بازیگران اصلی فیلم کودک ناشنوایی بود که ارتباط با او برقرار کردن شیوه و روش خاص خودش را داشت و توانستم ارتباط حسی و عاطفی خوبی با او برقرار کنم.

آیا در بنگلادش برای انتخاب بازیگران آژانس و یا سندیکای وجود دارد؟

نه، همانطوریکه گفتم تجربه زیادی در بنگلادش داشتم و خودم بازیگران را بر اساس توانایی هایشان انتخاب کردم و به نظرم انتخاب درست و به جایی بودند و متناسب با نقش بازی مناسبی ارائه کردند.

زبان دوم گویش مردم هم انگلیسی است؟

بله، انگلیسی است.

سبک بازی بازیگران هند و کشورهای اطراف خیلی گل درشت و فگوراتیو است. این مسئله را چگونه کنترل کردید؟

چالش من با بازیگران بنگالی همین اوراکت بازی کردنشان است و در هدایت بازیگر نقش اول فیلم خیلی دقت کردم تا بازی اش باندازه باشد و از قاب و چارچوب مورد نظر بیرون نزنند. این مسئله در گریم وجود دارد که آن را هم مدیریت کردم.

سوژه فیلم برای مخاطب ایرانی چقدر می تواند دارای جذابیت و کشش باشد؟

فیلم قابلیت های زیادی برای ارتباط گیری با مخاطب ایرانی دارد. لوکیشن های جذاب و طبیعی که کمتر دیده شده، فرم کار و فضای فیلم آتمسفر جدیدی را پیش چشم مخاطب ایرانی قرار می دهد که معتقدم از آن خوشش می آید. قصه فیلم هم بسیار انسانی، لطیف و عاشقانه است و در بستر متفاوت و آدم های جدید برای مخاطب ایرانی روایت می شود. از طرفی دو کشور مختصات فرهنگی مشترک زیادی مثل نوروز و عید دارند و در قصه فیلم هم به آن پرداخته ایم. این المان های مشترک می تواند نظر مخاطب ایرانی را به خودش جلب کند. ارتباط بین ادیام بحث مهمی در فیلم است و زندگی یک خانواده بودایی و مسلمان توأمان در کنار هم در فیلم روایت می شود. در ایران هم مثل شهر زادگاهم اصفهان گفت و گویی بین ادیان جریان دارد و من دوست کیمی و ارمنی دارم.

تجربه های قبلی شما به خصوص در سریال سازی نشان می دهد قصه پردازی و ملودرام را خوب می شناسید؟

بله تجارب خوبی در این عرصه دارم که نظر مخاطب را به خودش

جلب کرده است.

آیا برای اکران موفق تر فیلم در ایران به استفاده از یک بازیگر مطرح ایرانی در ترکیب بازیگران فکر نکردید؟

به نظرم حضور یک بازیگر ایرانی هارمونی و هماهنگی فیلم را از بین می برد و به اصطلاح از فیلم بیرون می زد. فیلم آخرم (قهرمان من) را در نظر بگیرد که امسال در جشنواره فیلم کودک و نوجوان اصفهان حضور داشت و چند جایزه اصلی جشنواره را هم برد. من برای ساخت فیلم رفته به روستایی اطراف اصفهان و همه بازیگران را از اهالی این روستا انتخاب کردم و اگر یک بازیگر حرفه ای در میانشان انتخاب می کردم ساختار فیلم به هم می خورد و فیلم نمی توانست موفقیت فعلی اش را داشته باشد. ارتباط درست با عوامل و بازیگر بومی پیدا کردن کار آسانی نیست و در عین جذابیتش کار سختی است. نکته دیگر درباره این بحث بودجه تولید فیلم ما بود که نمی توانستیم از پس پرداخت دستمزد زیاد یک سوپر استار بر بیاییم. ما فیلم را به صورت مستقل و از جیب خودمان ساختیم.

آیا برای ساخت فیلم از نهادهای دولتی سینما مثل فارابی کمکی دریافت کردید؟

هیچ کمکی دریافت نکردم البته این کمکها که به همه تعلق نمی گیرد، ما اذیت نکنند کمک پیشکش.

بحث خودی و غیر خودی مطرح است؟

مسلم است. البته در این قضیه حمایت های مالی بخش دولتی سینما به فیلمسازان، خود همکاران ما هم مقصر هستند و مسئولین جدید فارابی چتر حمایتشان را باز تر کرده اند.

این تقصیر همکاران تان در چه موردی باز تعریف دارد؟

اینکه به طور مثال اگر من رفته از سازمان های دولتی سینمایی حمایتی گرفتم دوباره سال بعد نروم و تقاضای چنین کاری را انجام بدهم و حداقل پنج سالی صبر کنم و این امکان را به سایر همکارانم بدهم که آنها هم از این امکانات برخوردار شوند. البته مسئولان هم باید به این قضیه توجه داشته باشند و نگذارند این گرفتن امکانات برای برخی ها تبدیل به یک عادت بشود و به عنوان بیزنس این پول را دریافت کنند و اگر فیلمشان هم نفروخت مطمئن هستند سال بعد هم دوباره امکان کار کردن دارند. مسئولین باید مثل پدر خانواده عدالت را برقرار کنند و به طور مثال هر سال برای یک بچه ماشین نخرند. سینمای ایران در حدود ۱۰۰ فیلمساز فعال دارد. اگر سالی ده نفر حمایت دریافت کنند ده سال بعد هم دوباره این فیلمسازان فیلم بسازند. اینطور نباشد که برخی هر سال فیلم بسازند و نود درصد بقیه فقط نگاه کنند که شاید دری به تخته بخورد بتوانند فیلمی بعد از ده- پانزده سال بسازند. در همین بنگلادش که سینمای اش خیلی فعال و پویا نیست همین قانون اعمال می شود و سالی ۵ فیلم تولید می شود و فیلمسازان در نوبت هستند تا بتدریج آن را دریافت کنند و یک نفر نمی تواند هر سال فیلم بسازد مگر اینکه سرمایه گذار شخصی داشته باشد.

با توجه به ابعاد اجتماعی فیلم آیا در فیلمتان به مسلمانان روینگنا هم پرداخته اید؟

غیر مستقیم پرداخته ام. مستندی در باره مظلومیت این مسلمانان سال های قبل ساخته ام. در شرق آسیا همواره این درگیری بین ادیانی و مظلوم واقع شدن مسلمان ها وجود داشته است. من در فیلم به روایت زندگی دو همسایه بودایی و مسلمان پرداخته ام. چند روز قبل و بعد از اعلام نام فیلمها در یکی از روزنامه های صبح مطلبی در باره فیلم شما خواندم که نویسنده مدعی شده بوده که فیلم کیفیت لازم را

برای حضور در جشنواره ندارد. با توجه به اینکه فیلم هنوز دیده نشده است. ریشه این اظهار نظرها چیست؟

لا بد این دوستان خیلی حرفه ای هستند و از نام فیلم چنین برداشتی داشته اند! معتقدم دلیل این نوع کارها تبلیغات زیاد و پر حجم رسانه ای فیلمهایی است که با بودجه فراوان ساخته شده اند و هزینه ای هم برای پروپاگاندا فیلمشان در فضای مجازی صرف می کنند و برخی از همکاران شما تصور می کنند فیلمی که این حجم تبلیغات رسانه ای ندارد لابد فیلم ضعیف و بدون کیفیتی است. البته من مدعی نیستم که فیلم «دروغ های زیبا» یک شاهکار است اما فیلمی است که استانداردهای لازم در آن رعایت شده است و به نظرم فیلم بسیار مظلوم واقع شده است. روزنامه نگار مستقل و حرفه ای باید این بینش را داشته باشد که از فیلم های مستقل حمایت کند. این قضیه در ورزش هم مصداق دارد و تیم های فوتبالی وجود دارند که بودجه های چند صد میلیاردی دولتی دارند و هیچ آورده ای هم ندارند. اما قهرمان مستقلی مثل هادی چوپان به صورت مستقل می رود و برای کشور افتخار کسب می کند.